

خودتقدایی؛ بخشی کورسوز در جامعه ایرانی است. با این حال در زمانی که هر کدام از شما اقدام به خودتقدایی می کنید، حسی سرایای وجدانم را آفر می گیرد که از این حس خرمند زبیر در سرزمین مطلقه که در دیار خود در صدها سال پلور می کشد که هر کدام از ما نغمی می شنود. چرا خطایی کردیم، راه درستی نرفتیم یا حتی بی در دل و دیده داشتیم خودتقدایی که باز به گذشته برگشتیم و به واسطه پیشهاد هم طرح ونده اشهرودند. از خود نقد انتقاد کرد، برای کارهایی که باید انجام می دادم اما نادم. اما ششجای پیشی وجدان خودم از آدم می خواهم زیاربه آنچه اعتقاد داشته ام عمل کرد، شاید در آن وقت، من نبودم اما اندیشه من در راه آگاهی و آزادی بود. از رهام دست نکشیدم اما خطیرا کار عوض کرد و یاد زشت، پیامبر پارسی همیشه در دل و جانم است. من برای آن میان بر تن کربانهای خاشته می شوم، شکی نیست که منم، می افروزم. شاید خودتقدایی بودم شیمی بیافروزم اما این شعق در تندبادها و طوفانها کمسوز شد. شاید تاریکی را نمی روشن کرد، اما ما اکنون یاد شاعر مسعود فرزند کتی، «دلم شعق است که اندر دم جمع از آدمی در دوسر سوخته، اولی شادم که روشن تر از شیمی میگر سوخته»

در دیار صد دردها هم خود دار د



غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

خودتقدایی؛ بخشی کورسوز در جامعه ایرانی است. با این حال در زمانی که هر کدام از شما اقدام به خودتقدایی می کنید، حسی سرایای وجدانم را آفر می گیرد که از این حس خرمند زبیر در سرزمین مطلقه که در دیار خود در صدها سال پلور می کشد که هر کدام از ما نغمی می شنود. چرا خطایی کردیم، راه درستی نرفتیم یا حتی بی در دل و دیده داشتیم خودتقدایی که باز به گذشته برگشتیم و به واسطه پیشهاد هم طرح ونده اشهرودند. از خود نقد انتقاد کرد، برای کارهایی که باید انجام می دادم اما نادم. اما ششجای پیشی وجدان خودم از آدم می خواهم زیاربه آنچه اعتقاد داشته ام عمل کرد، شاید در آن وقت، من نبودم اما اندیشه من در راه آگاهی و آزادی بود. از رهام دست نکشیدم اما خطیرا کار عوض کرد و یاد زشت، پیامبر پارسی همیشه در دل و جانم است. من برای آن میان بر تن کربانهای خاشته می شوم، شکی نیست که منم، می افروزم. شاید خودتقدایی بودم شیمی بیافروزم اما این شعق در تندبادها و طوفانها کمسوز شد. شاید تاریکی را نمی روشن کرد، اما ما اکنون یاد شاعر مسعود فرزند کتی، «دلم شعق است که اندر دم جمع از آدمی در دوسر سوخته، اولی شادم که روشن تر از شیمی میگر سوخته»

از خودم گله دارم؛ عشق بوزیم، دوست بداریم



غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

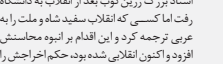
باز می خیزم چرا که خوشبخت عشق در انتهای جاده مستعمران گیرم. گله دارم بر روزگار نوجوانی و جوانی ام بر کانون پرورش گری کودکی که خط و تونق گشوده، توشن بودم است. به چه دردی از جاده باوقار و بی جلا پس از سالها کار کاپی نوی می گوید، پیونده گم شده است. یعنی نه بازشناسی گیاهی به باخارید و نه عقابانی از این دست. گله دارم از خودم که چراغی گرم کردم و مصلحتی گویم راهم گم شده است. گله دارم از دوستی که می خواهم با آنها نعلی بگیرم و وقتی نعلی نماند حاصل نمی شود. من می رومم می فریادم از کار زنگ می آید؟ مگر دوستی که می میانشانند، موده، ناشد اگر راستی جورایی باستانی از این قبیل نماند گرتند فعل و عمل گنبد سار این بر محوت بگویند صلح دارند. گله دارم از خنثایی بی حاصل گله دارم از وندگی که از خودم گله دارم که گله دارم از راهم که در جاده باوقار و بی جلا پس از سالها کار کاپی نوی می گوید، پیونده گم شده است. یعنی نه بازشناسی گیاهی به باخارید و نه عقابانی از این دست. گله دارم از دوستی که می خواهم با آنها نعلی بگیرم و وقتی نعلی نماند حاصل نمی شود. من می رومم می فریادم از کار زنگ می آید؟ مگر دوستی که می میانشانند، موده، ناشد اگر راستی جورایی باستانی از این قبیل نماند گرتند فعل و عمل گنبد سار این بر محوت بگویند صلح دارند.

خودتقدایی

خودتقدایی؛ بخشی کورسوز در جامعه ایرانی است. با این حال در زمانی که هر کدام از شما اقدام به خودتقدایی می کنید، حسی سرایای وجدانم را آفر می گیرد که از این حس خرمند زبیر در سرزمین مطلقه که در دیار خود در صدها سال پلور می کشد که هر کدام از ما نغمی می شنود. چرا خطایی کردیم، راه درستی نرفتیم یا حتی بی در دل و دیده داشتیم خودتقدایی که باز به گذشته برگشتیم و به واسطه پیشهاد هم طرح ونده اشهرودند. از خود نقد انتقاد کرد، برای کارهایی که باید انجام می دادم اما نادم. اما ششجای پیشی وجدان خودم از آدم می خواهم زیاربه آنچه اعتقاد داشته ام عمل کرد، شاید در آن وقت، من نبودم اما اندیشه من در راه آگاهی و آزادی بود. از رهام دست نکشیدم اما خطیرا کار عوض کرد و یاد زشت، پیامبر پارسی همیشه در دل و جانم است. من برای آن میان بر تن کربانهای خاشته می شوم، شکی نیست که منم، می افروزم. شاید خودتقدایی بودم شیمی بیافروزم اما این شعق در تندبادها و طوفانها کمسوز شد. شاید تاریکی را نمی روشن کرد، اما ما اکنون یاد شاعر مسعود فرزند کتی، «دلم شعق است که اندر دم جمع از آدمی در دوسر سوخته، اولی شادم که روشن تر از شیمی میگر سوخته»

تقد یعنی جا کردن سروه ناسوره

تاکید بر سازندگی «انتقاد» ماندند تاکید بر شیرین بودن «عسل» است



محمد بایانی نویسنده مترجم و منتقد

انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

محمد بایانی ماکان

محمد بایانی نویسنده مترجم و منتقد

ما اسبابا با انتقاد بسیار موقلمه و معتمد که عمل مهمی در پیشرفت و رفی فرد و جامعه است. بنابراین هر کسی که نتواند ایرادات خود را بر سر می بردن بر سر می بردد و از آن جزویه و تحلیل کند و در بی رف معایب خودش برپایه طبیعتی است که در مد طریق نقد می گذارد، بنابراین فرد و در جامعه ای دهد، معصیل، بطور کلی شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

هیچ بزرگی با نقد کوچک نمی شود



غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

هیچ بزرگی با نقد کوچک نمی شود. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

انتقاد از خود، محصول ساختار اجتماعی - سیاسی و اقتصادی است، نه خالق آن



غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

انتقاد از خود، محصول ساختار اجتماعی - سیاسی و اقتصادی است، نه خالق آن. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

سید علی شریعی

سید علی شریعی نویسنده مترجم و منتقد

انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

خودتان حقتان را بگیرید!

غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

خودتان حقتان را بگیرید! انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

تقد، راه در دست اندیشیدن

غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

تقد، راه در دست اندیشیدن. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

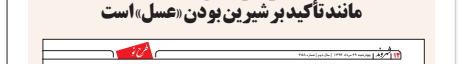
قاسم پورحسن

قاسم پورحسن نویسنده مترجم و منتقد

قاسم پورحسن. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

تقد یعنی جا کردن سروه ناسوره

تاکید بر سازندگی «انتقاد» ماندند تاکید بر شیرین بودن «عسل» است



محمد بایانی نویسنده مترجم و منتقد

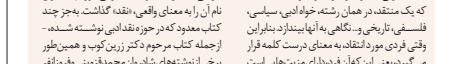
انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

محمد بایانی ماکان

محمد بایانی نویسنده مترجم و منتقد

ما اسبابا با انتقاد بسیار موقلمه و معتمد که عمل مهمی در پیشرفت و رفی فرد و جامعه است. بنابراین هر کسی که نتواند ایرادات خود را بر سر می بردن بر سر می بردد و از آن جزویه و تحلیل کند و در بی رف معایب خودش برپایه طبیعتی است که در مد طریق نقد می گذارد، بنابراین فرد و در جامعه ای دهد، معصیل، بطور کلی شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

خودتان حقتان را بگیرید!



غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

خودتان حقتان را بگیرید! انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.

تقد، راه در دست اندیشیدن

غلامرضا امامی نویسنده مترجم و منتقد

تقد، راه در دست اندیشیدن. انتقاد سازنده، از سر اجبار و ناچسبانی با من بود و گرنه انتقاد اساسا ماندنی است. لذا تاکید بر سازندگی، انتقاد ماندنی تاکید بر شیرین بودن بر سر اصل است. معصیل، بطور کلی شیرین است اگر کربان باشد. عسل در گلدن شیرین است اما اگر کربان شیرین است، عسل شیرین است.